

بررسی تطبیقی آرایه‌های ادبی فارسی - انگلیسی

دکتر لطف الله کریمی^۱

استادیار زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد همدان

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی دشواری‌ها، امکانات و ارائه راهکارهایی برای چگونگی تطبیق آرایه‌های ادبی در زبان فارسی و انگلیسی است. در راستای این هدف، نگارنده علاوه بر معرفی دشواری‌ها و مقصوریت‌ها، به طور کلی، به تطبیق چند آرایه ادبی در زبان فارسی و انگلیسی پرداخته است. با داشتن ادبیاتی غنی، بررسی تطبیقی جنبه‌های مختلف دو زبان و یا بیشتر، از جایگاه محکمی برخوردار است. مطالعه و مقایسه آرایه‌های بدیعی، بیانی، عروض و قافیه منجر به آثار دو زبانه می‌شود که در دنیای امروز آگاهی از این امر برای استادان دانشگاه، معلمان و محققان ضروری می‌نماید.

کلید واژه‌ها: بررسی تطبیقی، اصطلاحات ادبی، فارسی-انگلیسی.

تاریخ پذیرش

۹۱/۵/۱۶

تاریخ دریافت

۹۱/۱/۲۲

مقدمه

۱. بیان مسئله

بررسی تطبیقی دو زبان یا بیشتر، در واقع همان زبان‌شناسی مقابله‌ای است که به مطالعه جنبه‌های مختلف دو زبان مانند نظام‌های آوایی، واژگانی، آرایه‌ای، دستوری، معنی‌شناسی، منظورشناسی، سبک و فرهنگ می‌باشد (ضیا حسینی، ۱۹۹۴: ب). پشتوانه‌ی مبادرت به تهیه‌ی این مقاله چند انگیزه بوده است: اول اینکه مجادلات بر سر مسائل نظری و عملی بررسی تطبیقی، زمینه‌ی تحقیقات بیشتری را در این مورد فراهم کرده است. دوم اینکه دانشجویان رشته‌ی مترجمی زبان انگلیسی در دانشگاه آزاد واحد همدان در پیدا کردن آرایه‌های ادبی معادل در زبان فارسی و انگلیسی با مشکلاتی مواجه می‌باشند، خصوصاً وقتی که بنا به دلایل یادگیری و آموزشی مانند حدس زدن به آن‌ها اجازه داده نشود که از فرهنگ لغت دو زبانه استفاده نمایند. سوم اینکه گلچین‌ها یا فرهنگ‌هایی که به صورت تطبیقی به بررسی اصطلاحات علوم بیان، بدیع، عروض و قافیه به طور جداگانه پرداخته باشند، در دسترس نیست.

۲. اهداف

در نوشتن این مقاله اهداف زیر مد نظر بوده اند:

- الف- پاسخ به این سؤال که تا چه اندازه امکان بررسی تطبیقی آرایه‌های ادبی انگلیسی و فارسی وجود دارد؟
- ب- ارائه‌ی عمومی برخی راهکارها یا معیارها برای بررسی تطبیقی نظام آرایه‌های ادبی در دو زبان فارسی و انگلیسی.
- ج- ایجاد انگیزه در پژوهشگران برای انجام مطالعات در مورد موضوعاتی که در آخر مقاله معرفی شده‌اند و گشودن افقی نو بر روی دانشجویان رشته‌ی مترجمی

۳. پیشینه

بررسی تطبیقی از لحاظ نظری، آموزشی و مباحثه، از پیشینه‌ی غنی برخوردار بوده و کتب و مقالات زیادی در مورد آن به رشته‌ی تحریر در آمده‌اند (فریز^۱، ۱۹۴۵؛ لدو^۲، ۱۹۵۷؛

گراندجنت^۳، ۱۹۸۲؛ وارداف^۴، ۱۹۷۰؛ الاتیس^۵، ۱۹۶۸؛ فیسیاک^۶، ۱۹۸۰؛ جیمز^۷، ۱۹۸۰؛ آلر و ضیاء حسینی^۸، ۱۹۷۰؛ نیکل^۹، ۱۹۷۱؛ نیکل و وگنر^{۱۰}، ۱۹۶۸؛ بوتیو^{۱۱}، ۱۹۷۰؛ کشاورز، ۱۹۹۲؛ مشفق، ۱۹۹۳؛

ارکی^{۱۲}، ۲۰۰۰؛ الیس و برخوزین^{۱۳}، ۲۰۰۵). بنابراین، این زمینه، توجه علمای زیادی را از دهه ۱۹۵۰ تا به حال جلب نموده است.

طبق نظر زسوسکی^{۱۴} (۱۹۹۰) تمام مشکلات و مجادلات بیانگر این هستند که بررسی تطبیقی، یک رشته پابرجا است، محبوبیت خود را حفظ نموده، و بسیاری از مسائل نظری و عملی آن، جای بررسی دارند.

در دهه ۱۹۵۰ متخصصان آموزش زبان مخصوصاً لدو (۱۹۵۷) و فریز (۱۹۴۵) بر آن شدند که آموزش زبان دوم را، که قبلاً بر شم و تجارب شخصی معلمان متکی بود، در زمره علوم تجربی وارد کنند. هدف آن‌ها این بود که مشکلات آموزش زبان دوم به روش علمی علت یابی شود و برای رفع مشکلات، علل آن‌ها رفع گردد. لدو بر این باور بود که با مقابله دو زبان می توان نسبت به مسائل آموزش زبان، تهیه مطالب درسی، پژوهش و مانند آن، شناخت پیدا کرد و با استفاده از این شناخت، مشکلات معلمان و دانشجویان زبان را حل کرد(مشفق، ۱۳۷۲: ۵).

در ارتباط با زبان شناسی مقابله‌ای و یا بررسی تطبیقی جنبه‌های مختلف دو زبان، فرضیه‌هایی پدید آمده اند. پدید آورنده فرضیه قوی، لدو است. وی معتقد است که عادات زبان مادری به هنگام فراگیری زبان دوم، تداخل یا مزاحمت ایجاد می‌کند؛ بدین معنی که عناصر از زبان مادری به زبان دوم، به صورت مثبت یا منفی، انتقال می‌یابند. بنا به فرضیه دوم یا گونه معتدل که بنیان‌گذارانش آلر و ضیاء حسینی (۱۹۷۰) می‌باشند، مواردی از دو زبان که بسیار شباهت دارند موجب اشتباه می‌شوند و در نتیجه، زبان آموزی را مشکل می‌سازند. فرضیه سوم یا گونه ضعیف، متعلق به واردهو (۱۹۷۰) است. به اعتقاد وی گونه قوی تعبیری کاملاً غیر واقع بینانه و غیر عملی است. واردهو می‌گوید (ص ۱۲۵) "حداقل چیزی که این گونه فرضیه‌ها ایجاد می‌کند این است که زبان‌شناسان مجموعه‌ای از همگانی‌های زبان را به صورت انتظام یافته در چهارچوب یک نظریه جامع زبان‌شناسی، که در حد کافی به نحو، معنا شناسی و واج شناسی می‌پردازد، در اختیار داشته باشند).

۱۱۴ فصل نامه‌ی علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی ادب و عرفان

وارد هو، ۱۹۷۰: ۱۲۵) او می‌گفت: معلمان و زبان‌شناسان "بهترین دانش زبانشناسی موجود را ... به منظور تحلیل مشکلات مشهود در یادگیری زبان دوم" به وجهی موفقیت آمیز به کار برده‌اند. (همان، ۱۲۶) وی این گونه کاربرد زبانشناسی را، که مبتنی بر مشاهده است، گونه‌ی ضعیف فرضیه‌ی تحلیل تقابلی می‌نامد (براون، ۱۳۶۳: ۱۹۷).

در طول عمر زبانشناسی مقابله‌ای بحث‌های داغی نیز رخ داده است. برای مثال جیمز، ماهیت زبان‌ها را متفاوت دانسته و رابطه‌ی بین عناصر آن‌ها را یک به چند و چند به یک می‌داند و به طور مزاح گونه‌ای می‌گوید "کامیون و پوست موز صرفاً به این دلیل که هیچ یک جایشان در پیاده رو نیست می‌توانند در یک مقوله قرار گیرند". (جیمز، ۱۹۸۰: ۱۹۸) در همین راستا، مشفق‌ی (۱۳۷۲) بنیاد علمی زبانشناسی مقابله‌ای را، با تکیه بر نظرات پاپر (۱۹۵۹)، فیلسوف علم، زیر سوال می‌برد.

۴. ضرورت این نوع مطالعه

انجام چنین مطالعه‌ای می‌تواند از چند نظر مفید واقع شود؛ در مرحله‌ی اول، این نوع مطالعه موجب بقا و پیشرفت و تقویت بنیه‌ی نظری و عملی شاخه‌ی بررسی تطبیقی در ادبیات و رشته‌های دیگر در دو زبان، قوم و یا ملت می‌شود. در مرحله‌ی دوم، این مطالعه به مترجم، دانشجوی مترجمی و کسانی که به ادبیات علاقه دارند کمک می‌کند تا با یافتن آرایه‌های ادبی معادل در زبان فارسی و انگلیسی توانمند شوند. در مرحله‌ی سوم، اگر موضوع‌هایی که در پایان این مقاله معرفی شده‌اند، مورد بررسی علمی قرار گیرند، نتیجه کار آثار منتشر شده‌ای را تشکیل می‌دهد که هر کدام به یک نظام ادبی خاص مانند بدیع، بیان، قافیه و عروض به صورت تطبیقی پرداخته است. در مرحله‌ی چهارم، از آنجا که آرایه‌های ادبی ابزار مؤثری می‌باشند که به وسیله‌ی آن‌ها افراد متعلق به فرهنگ‌ها و ملت‌های مختلف تجارب و احساسات و عواطف خود را ابراز می‌دارند، چنین مطالعه‌ای می‌تواند یک پل ارتباطی بین فرهنگ‌ها و ملت‌های مختلف باشد. برای مثال، اگر "جغد" در فرهنگ اروپا نماد "حکمت" است، در ایران شاید "هدهد" همین نقش را بازی می‌کند، یعنی نماد "حکمت" است (کریمی، ۲۰۰۴: ۵۱).

۵. مقدوریت‌ها

برخی شباهت‌ها در بین زبان‌های فارسی و انگلیسی و ادبیات آن‌ها، ایده بررسی تطبیقی آرایه‌های ادبی را در این دو زبان تسهیل می‌بخشد. اصطلاحات ادبی، به منزله ابزار زبانشناختی به کار گرفته شده در ادبیات، منعکس کننده اذهان و عواطف افراد بشر با فرهنگ‌های متفاوت می‌باشند. درست است که زبان‌ها از نظر ساختارهای دستور با هم فرق دارند، با این وصف وجوه اشتراکی نیز دارند، چه در غیر این صورت ایجاد ارتباط کلامی در بین افراد اقوام و ملت‌های مختلف بسیار دشوار است. زبانی را نمی‌توان یافت که فاقد آرایه‌های ادبی مانند تشبیه، استعاره، جناس، ابهام و غیره باشد (طباطبائی، ۱۳۶۹: ۱۱). به علاوه، عوامل زیر، فرآیند بررسی تطبیقی آرایه‌های ادبی فارسی و انگلیسی را مقدور می‌سازند:

الف- به طور کلی، خود طبیعت زبان بودن، یعنی سنخیت داشتن، اجازه مقایسه نظام‌های کوچک‌تر دو زبان، را در این مقاله، به ما می‌دهد.

ب- زبان فارسی و انگلیسی متعلق به زبان‌های هند و اروپایی هستند. لذا، دارای وجوه مشترک و واژه‌های هم‌ریشه می‌باشند.

ج- فارسی و انگلیسی هر دو، سه دوره تاریخی - باستان، میانه و امروزی- را پشت سر گذاشته‌اند.

د- زبان فارسی و انگلیسی واژه‌هایی را از یکدیگر به عاریت گرفته‌اند.

ه- این دو زبان به طور مستقیم یا غیرمستقیم، کم و بیش تحت تأثیر صنایع ادبی یونانی قرار گرفته‌اند. برای مثال، اصطلاحات "کمدی" و "تراژدی"، از زبان یونانی به طور مستقیم وارد زبان انگلیسی و به طور غیرمستقیم یا از زبان انگلیسی و یا از زبان عربی وارد زبان فارسی شده‌اند و با جرح و تعدیلات آوایی انگلیسی و فارسی گونه شده‌اند.

و- برخی اصطلاحات ادبی فارسی و یا عربی مستقیماً و یا از راه ترجمه آزاد وارد زبان انگلیسی شده‌اند. برخی نمونه‌ها عبارتند از: رباعی، قصیده، غزل، ترکیب‌بند (composite tie)، ترجیع‌بند (return tie) و مطلع (opening lines) (طباطبائی، ۱۳۶۷: ۱۳).

۶. محدودیت‌ها

عواملی وجود دارند که فرایند تطبیق صنایع ادبی را در دو زبان فارسی و انگلیسی دشوار، وقت‌گیر و طاقت‌فرسا می‌سازند. برخی از این عوامل را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

الف- اختلاف نظر در مورد یک اصطلاح خاص در منابع مختلف

برای مثال، در منابع فارسی، همائی (۱۳۶۱) اصطلاحات "مماثله" و "موازنه" را هم معنی می‌پندارد؛ اما رجائی (۱۳۵۹) و آهنی (۱۳۶۰) آن‌ها را متفاوت می‌دانند. این گونه اختلاف نظر‌ها نیز در منابع انگلیسی به چشم می‌خورد. سیمپسون^{۱۵} (۱۹۶۷) اصطلاحات "consonance" و "pararhyme" را مترادف می‌داند؛ در حالی که شیپلی^{۱۶} (۱۹۷۰) آن‌ها را متفاوت می‌پندارد.

ب- تفاوت در رسم الخط

زبان فارسی و انگلیسی از نظر رسم الخط با هم فرق دارند. از طرفی بیشتر حروف الفبای فارسی یک، دو و یا سه نقطه دارند. این امر زمینه خلق برخی اصطلاحات را فراهم می‌کند. برای مثال اصطلاح "رقطا" به حالتی از نوشتن اشاره می‌کند که در آن نویسنده خود را مقید می‌کند که حروف در عبارت یا جمله‌ای که می‌نویسد به‌طور یک در میان منقوط و غیر منقوط باشند. مثال:

شد قد تو چون صنوبر باغ.

در زبان انگلیسی فقط حروف *i* و *j* منقوط می‌باشند و اگر آن‌ها را بزرگ بنویسیم، نقطه در آن‌ها نیز از بین می‌رود. لذا، غیر ممکن است که در زبان انگلیسی بر مبنای منقوط بودن حروف، اصطلاحی را آفرید. از طرف دیگر حروف انگلیسی، بر خلاف حروف فارسی، به صورت‌های بزرگ و کوچک نوشته می‌شوند و این امر زمینه ساز اصطلاحاتی مانند "diaphora" می‌شود، یعنی نوعی جناس که در آن دو اسم عام که با حرف کوچک شروع می‌شوند، یکسان خوانده و نوشته می‌شوند. مانند "bank" به معنی "ساحل" و "bank" به معنی "بانک". اما اگر یکی از این اسامی عام به اسم خاص تبدیل شود و در نتیجه حرف اول آن بزرگ نوشته شود، آن‌گاه اصطلاح "ploce" به آن اطلاق می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۹ و کریمی ۱۹۹۳: ۷).

ج- وجود برخی اصطلاحات در یک زبان و نبودن آن‌ها در زبان دیگر
در شعر فارسی حروف یا صداهای قافیه ساز در دو کلمه هم قافیه به سه دسته تقسیم می‌شوند و هر حرف یا صدا در هر گروه اسم خاصی دارد. برای مثال، گروه اول شامل چهار حرف (یا صدا) است که "تأسیس"، "دخیل"، "قید"، و "ردف" نام دارند. اما چنین نام‌گذاری و تقسیم بندی در مورد حروف یا صداهای قافیه ساز در دو کلمه هم قافیه در زبان انگلیسی صورت نگرفته است (طباطبایی¹⁷، ۱۳۶۷: ۱۰ و کریمی¹⁸ ۱۹۹۳: ۷ و ۸).

د- تفاوت در اوزان عروضی شعر

تقطیع شعر انگلیسی جنبه کیفی دارد. بدین معنی که هجاها بر اساس تکیه‌دار و بدون تکیه بودن تعیین و آرایش داده می‌شوند (بکسن و گنز¹⁹، ۱۹۸۹: ۲۴۹). اما تقطیع شعر فارسی جنبه کمی دارد؛ یعنی، ارکان از هجا(ها)ی کوتاه و بلند تشکیل می‌شوند (سادات ناصری و وحیدیان کامیار²⁰، ۱۳۶۸: ۲۲). بنابراین، ظاهراً بسی دشوار است بررسی تطبیقی را در مورد اوزان عروضی در انگلیسی و فارسی انجام داد، هر چند کریمی (۱۹۹۳) مواردی را انجام داده است.

۷- روش کار

(طباطبایی ۱۳۶۷) به طور تخصصی و کریمی (۱۹۹۳) شیوه بررسی تطبیقی آرایه‌های ادبی فارسی و انگلیسی را به صورت زیر ارائه داده‌اند:

الف- داده‌ها (آرایه‌های ادبی انگلیسی و فارسی) را می‌توان از منابع مختلف مانند فرهنگ‌ها، گلچین‌های ادبی و اهل فن گردآوری کرد.

ب- آرایه‌های ادبی به ظاهر معادل (آن‌هایی که در فرهنگ‌های دو زبانه آمده‌اند) در بین دو زبان (انگلیسی و فارسی) را می‌توان مطالعه کرد تا معلوم شود که آیا رابطه یک به یک بین معانی اجزای آن‌ها (ریشه‌ها و وندها) وجود دارد.

ج- تعریف یا تعاریف آن‌ها را از نظر ویژگی‌های بنیانی و واژه‌های کلیدی می‌توان مقایسه کرد.

د- می‌توان مثال‌های آن‌ها را با هم مقایسه کرد.

۱۱۸ فصل نامه‌ی علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی ادب و عرفان

ه- مثال برای آرایه ادبی انگلیسی را می‌توان با تعریف آرایه ادبی فارسی و برعکس مقایسه کرد.

و- کار برد آرایه ادبی انگلیسی و فارسی را می‌توان با هم مقایسه کرد.

ز- در تمامی موارد بالا (از الف تا و) وجوه اشتراک و افتراق را می‌توان نوشت.

ح- در پایان، تمام وجوه اشتراک و افتراق در مورد جنبه‌های مختلف هر آرایه ادبی در دو زبان را می‌توان گزارش کرد.

با استفاده از روش فوق، کریمی (۱۹۹۳) تعداد ۵۳ اصطلاح ادبی فارسی و انگلیسی را بررسی کرده است.

چند نمونه آن به صورت زیر است و فهرستی از بقیه موارد به صورت ضمیمه در انتهای مقاله آورده شده است.

cacophony; dissonance

Cacophony or dissonance is a harsh or unpleasant combination of sound which may be the result of difficulty of articulation or may be introduced for poetic effect.

Examples:

1. A tap at the pane, the quick sharp scratch

And blue spurt of a lighted match (Browning's Meeting at Night, as cited in Beckson and Ganz, 1989).

Note : In these lines by Browning, the image of a sudden flame combines abrupt rhythms and explosive consonants to produce a cacophonous effect.

2. " The glush of squirting taps plus slush of foam knocked off" by E.E.

Cummings

In this example the harsh-sounding of consonantal sounds is evident if one attempts to produce the sequencing words.

تنافر

تنافر لفظی بر دو قسم است:

الف- تنافر در حروف: عبارت است از ترکیب یک سری حروف در یک کلمه به طوری که حروف از یکدیگر نفرت داشته باشند و تلفظ آن‌ها دشوار و بد آهنگ باشد. چند مثال:

۱. آخشیج

۲. پنهانست

در مثال شماره ۲، سه حرف آخر کلمه ساکن است و موجب دشواری تلفظ می‌شود.

ب- تنافر در کلمات: آن است که اجتماع الفاظ در یک عبارت یا جمله به گونه‌ای باشد که تلفظ آن‌ها دشوار بود که دلیل این امر باز دخالت حروف است (رخزادی، ۱۳۶۶: ۴). چند مثال:

۱. خواجه تو چه تجارت کنی

۲. در این درگه که گه که گه و که که شود ناگه

مقایسه و مقابله: cacophony در انگلیسی معادل تنافر در حروف و تنافر در کلمات

در زبان فارسی است. ویژگی بنیانی این اصطلاحات در هر دو زبان عبارت است از بد-آوایی و یا بد-آهنگی حروف در کلمات و عبارات.

MACARONIC VERSE

Macaronic verse : (From Italian word "macaroni", a paste in various shapes often baked with cheese, ground meat, etc.) it is a verse which is made by mixing two or more languages, especially a modern language with Latin or Greek. English is most commonly mixed with Latin, often to the extent of giving English words Latinate endings. Macaronic verse is almost always used for comic effect.

Examples:

1. Qui nunc dancet vult modo,
Wants to dance in the fashion, oh!
Discere debet ought to know,
Kickere floor cum heel and toe.

۱۲۰ فصل نامه‌ی علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی ادب و عرفان

One, two, three
Hop with me,
Whirligig, twirligig, rapidee.
G.A. a Bekett "A Polka Lyric"
2. Mademoiselle got the croix de guerre
For washing soldiers' underwear,
Inky-pinky, parez- vou?

ملمّع

ملمّع در لغت به معنی درخشان و گوناگون و یا حیوانی که در بدنش لکه‌ها و خالهائی خلاف رنگ اصلی او وجود داشته باشد و در اصطلاح علم بدیع شعری را گویند که یک مصراع یا بیت آن فارسی و مصراع یا بیت دیگر آن به زبان دیگر، خصوصا عربی، باشد. چند نمونه:

۱. سل المصانع ركباً تهيم في الفلوات

تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی

۲. روضه ماء نهرها سلسال

دوحه سجع طيرها موزون

آن پر از لاله های رنگا رنگ

وین پر از میوه های گو نا گون

مقایسه و مقابله:

الف- تشابهات:

۱. در macaronic verse انگلیسی و ملمّع فارسی دو زبان متفاوت با هم ترکیب

می شوند.

۲. هر دو اصطلاح در لغت به معنی "گوناگونی" می باشند.

۳. در هر دوی آنها شاعر یا نویسنده، زبان‌های خاصی را با هم ترکیب می کند.

ب- تفاوت:

macaronic verse در انگلیسی بیشتر جهت مزاح مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما ملمع در فارسی جنبه جدی دارد.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی جنبه‌های مختلف دو زبان، امر بسیار پیچیده‌ای است. این پیچیدگی شاید از آنجا ناشی می‌شود که هر زبانی ماهیت خاص خود را دارد و رابطه عناصر در دو زبان یا بیشتر، یک به یک نیست. لذا، مبادرت به کار بررسی تطبیقی اجزای دو زبان از یک سو نیازمند آشنائی کافی به ابعاد مختلف آن دو زبان بوده، و از طرفی دیگر فرد تطبیق‌گر باید از پیشینه نظری و علمی و بحث‌های داغی که در ادبیات این رشته وجود دارد، علم و اطلاع لازم و کافی داشته باشد.

چنین به نظر می‌رسد که جدال‌های موجود در ادبیات تطبیقی نباید موجب دلسردی علاقه‌مندان به این زمینه شود و بهتر است، بدون سوگیری، این رشته مورد بازنگری عمیق علمی قرار گیرد. چه اگر این رشته کنار گذاشته شود، آن‌گاه تکلیف ترجمه چه می‌شود. ترجمه نوعی زبانشناسی مقابله‌ای است، زیرا در فرایند ترجمه مترجم پیوسته تلاش می‌کند جهت یافتن معادل، جنبه‌های مختلف دو زبان را بررسی و تبدیل نماید. علاوه بر یادآوری موارد فوق، از دستاوردهای دیگر این مقاله اشاره به محدودیت‌ها، مقدریت‌ها و همچنین ارائه راهکارها و مثال‌هایی برای چگونگی انجام مقایسه و مقابله آرایه‌های ادبی در زبان‌های فارسی و انگلیسی بوده است.

۹. توصیه برای تحقیقات آتی

از آنجا که هر نظام کوچکتر ادبی مانند بیان، عروض و قافیه دارای اصطلاحات ادبی خاص خود می‌باشد، ضروری می‌نماید که پژوهشگران اقدام به تفکیک اصطلاحات هر یک از این علوم نموده و آن‌ها را با اصطلاحات نظیرشان در زبان دیگر به شکل مقاله یا فرهنگ یا گلچینی ادبی مقایسه کنند. چنین امکاناتی، اگر فراهم شود، برای دانشجویان، معلمان، پژوهشگران و مترجمین از اهمیتی خاص برخوردار خواهد بود.

پی نوشت:

- 1 - FRIES
- 2 - LADO
- 3 - GRANDGENT
- 4 - WARDHAUGH
- 5 - ALATIS
- 6 - FISIAK
- 7 - JAMES
- 8 - OLLER& ZIAHOSSEINI
- 9 - NICKEL
- 10 - NICKEL& WAGNER
- 11 - BUTEAU
- 12 - MARKEE
- 13 - ELLI & BARKHUIZEN
- 14 - KRZESZOWSKI
- 15 - SIMPSON
- 16 - SHIPLEY
- 17 - TABATABAIE
- 18 - KARIMI
- 19 - BECKSON&GANZ
- 20 - NASERI&VAHIDIAN KAMIAR

Appendix

English	فارسی
1. acrostic	تو شیخ
2. adynation	غلو
3. alliteration	معلى، برجستگی واج، واج آرایى
4. allusion	تلمیح
5. ambiguity	ابهام
6. amphiboly	ابهام
7. amplification	مبالغه

8. anadiplosis	رد العجز علی (الی) صد ر
9. apostrophe	التفات
10. antithesis	تضاد، طباق
11. ellipsis/parataxis	فصل
12. barbarism	غرابت استعمال
13. cocophony	تنافر
14. closed couplet	مفرد، فرد، تک بیت
15. heroic couplet	مثنوی
16. full rhyme	قافیه کامل
17. comedy	کمدی
18. diacope	کثرت تکرار
19. elegance	فصاحت
10. enallage	مخالفت قیاس صرفی
21. elegy	قصیده
22. epic	حماسه
23. enjambement	مصراع المعنی، مصراع الموقوف،
24. envoy	شریطه
25. epanalepsis	ردالصد ر علی (الی) عجز
26. hyperbaton	تعقید لفظی
27. hyperbole	اغراق
28. image	خیال، تصویر
29. imperfect rhyme	قافیه معیوب
30. internal rhyme	سجع
31. kenning	کنایه
32. leonine rhyme	سجع
33. macaronic verse	ملمع
34. metaphor	استعاره
35. metonymy	مجاز مرسل

۱۲۴ فصل نامه‌ی علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی ادب و عرفان

36. paradox	تناقض صوری، تناقض نما
37. parenthesis	حشو (قبیح، ملیح، متوسط)
38. circumlocution	اطناب
39. perfect rhyme	اعنات، التزام
40. pun	جناس
41. quotation title	تضمین
42. reciprocal palindrome	قلب کامل (مستوی)
43. refrain	بند ترجیع، بیت برگردان
44. rhetorical question	تجاهل العارف
45. rhetoric	بدیع
46. rhyme	قافیه
47. satire	طنز
48. scansion	تقطیع
49. simile	تشبیه
50. stanza	بند
52. syllepsis	استخدام
52. symbol	سمبل، نماد
53. tragedy	تراژدی

کتابنامه

- آهنی، غلامحسین. ۱۳۶۰. *معانی بیان*. چاپ دوم. انتشارات بنیاد قرآن.
براون، اچ. داگلاس. ۱۳۶۳. *اصول یادگیری و تدریس زبان*. ترجمه: مجدالدین کیوانی.
چاپ اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
همایی، جلال الدین. و دیگران. ۱۳۵۳. *بدیع و قافیه و عروض برای دوره دوم ادبی دبیرستان*. تهران: شرکت سهامی طبع و نشر کتابهای درسی ایران.
رجایی، محمد خلیل. ۱۳۵۳. *معالم البلاغه در علم معانی و بیان بدیع*. شیراز: انتشارات پهلوی سا بق.
رخزادی، علی. ۱۳۶۶. *گزیده صناعات ادبی و نیازهای سخن در ادب فارسی*. انتشارات ستاد تجهیزات و سرپرستی گروه‌های آموزشی استان کردستان.
سادات ناصری، سید حسن. و وحیدیان کامیار، تقی. ۱۳۶۸. *فنون و صنایع ادبی (قافیه و عروض)*. شرکت چاپ و نشر ایران.
طبا طبائی، محمد. ۱۳۶۷. *فرهنگ اصطلاحات صناعات ادبی*. تهران: بنیاد فرهنگ رضوی.
مشفق، فرهاد. ۱۳۷۲. «بررسی بنیاد علمی زبانشناسی مقابله ای». *مجله زبان و ادبیات: ویژه مباحث آموزش زبان و ادبیات*. سال اول. شماره اول.

English References

- Alatis, J.E. (ed.) 1968 . *Contrastive linguistics and its pedagogical implications*. (Monograph series on language and linguistics, 21) Washington, D.C.: Georgetown University Press.
Beckson, K. & Ganz, A. 1989. *Literary terms: A dictionary*(3rd.). New York: Farrar, Straus & Giroux.
Buteau, M.F. 1970 . **Students' errors and the learning of French as a second language: A pilot study**. *IRAL* 8, 133-145.
Ellis, R. & Barkhuizen, G. 2005 . *Analyzing learner language*. Oxford: Oxford University Press.
Fisiak, J. (ed.) 1980 . *Theoretical issues in contrastive linguistics*. Amsterdam: Benjamins.
Fries, C.C. 1945 . *Teaching and learning English as a foreign language*. ANN Arbor: University of Michigan Press.

- Grandgent, C.H. 1982 . *German and English sounds*. Boston: Ginn & Ci.
- James, C. 1980 . *Contrastive analysis*. London: Longman.
- Karimi, L. 1993 . *A contrastive analysis of English-Persian literary terms*. Iran, Tehran: Majd Scientific & Cultural Association.
- Karimi, L. 2004 . *The fundamentals and principles of translation theory*. Iran, Hamedan: Daneshjo.
- Keshavars, M.H. 1992 . *Contrastive analysis and error analysis: From theory To practice*. Iran, Tehran: Rahnama Publication.
- Lado, R. 1957 . *Linguistics across culture*. Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Markee, N. 2000 . *Conversation analysis*. Mahwa, NJ, Lawrence Erlbaum.
- Nickel, G. & Wagner, K.H. (1968). *Contrastive linguistics and language teaching*. *IRAL* 6, 233-255.
- Nickel, G. 1971 . *Papers in contrastive linguistics*. London: Cambridge University Press.
- Oller, J.W. & S.M. Ziahosseini .1970 . *The contrastive analysis hypothesis and spelling errors*. *Language Learning* 20, 183-189.
- Popper, K.R. 1959 . *The logic of scientific discovery*. Hutchinson & co. Publishers, Ltd.
- Shipley, J. 1970 . *Dictionary of world literary terms*. London: George Allen & Unwin Ltd.
- Simpson, L. (ed) 1967 . *An introduction to poetry!* London: Macmillan and Co Ltd.
- Wardhaugh, R. . 1970 . *The contrastive analysis hypothesis*. *TESOL Quarterly* 4, 120-130.
- Ziahosseini, S.M. 1994 . *Introducing contrastive linguistics*. Iran, Tehran: Office of the Vice-Chancellor, Research of Islamic Azad University, Tehran Branch.